

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه  
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/09/02



موضوع: کیفیت تطهیر متنجس به بول رضیع  
اما فی بول الرضیع غیر متغذی بطعام یکفی صب الماء  
سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه ضمن مسئله چهار که حکم متنجس به بول را  
بیان می فرمایند، فرمودند: «يجب فی تطهیر البدن أو الثوب بالماء القلیل من بول غیر  
الرضیع الغسل مرتین و اما من بول الرضیع غیر المتغذی بالطعام فیکفی صب الماء مره». اما  
تطهیر درباره ثوب یا بدن متنجس به بول رضیع غیر متغذی به طعام غسل مره واحده  
کافی است بنابراین مرتین درباره متنجس به بول رضیع واجب نیست، این بیان متن بود و اما  
شرح مسئله:

ادله حکم  
صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه این مسئله را بحث می کند، و به نقل از فقهاء می  
فرماید: اصل، اجماع، نص خاص سه تا دلیلند بر عدم وجوب تعدد در تطهیر نسبت به  
متنجس به بول رضیع یا بول صبی. دلیل اول اصل است، منظور از اصل یعنی اصالة البرائة.  
درباره متنجس به بول رضیع یک بار تطهیر کردیم طبق اطلاق نصوص اطمینان یا احتمال  
تطهیر وجود دارد، شک می کنیم در تطهیر مره ثانیه اصل برائت است. هرچند اصل لفظی  
هم داریم ولی هر کجا در بحث استدلالی استناد و اشاره بشود به اصل، منظور از اصل، اصل  
عملی است [1].

سوال: سابقه نجاست دارد و نمی شود برائت جاری کرد.  
جواب: آن سابقه نجاست را به وسیله یک بار تطهیر از بین رفته است.

سوال: اطلاق منافات ندارد با مره ثانی

جواب: اطلاق اصل لفظی است و تا اصل لفظی است به اصل عملی رجوع نمی شود. بنابراین اصل برائت است، ما بعد از آنکه یک بار تطهیر به عمل آوردیم، درباره تطهیر نوبت دوم شک می کنیم، این شک حالت سابقه ندارد، چون یقین نداشتیم بول صبی دو مرتبه باید تغسیل بشود تا گفته بشود استصحاب. یقین نداشتیم که متنجس به بول صبی باید دو بار تطهیر بشود. طهارت طبق اطلاق «اغسله» انجام شد و چیزی که باقی می ماند یک شک است و برائت جاری می کنیم. بنابراین اطلاق غسل از یک سو و بول صبی هم که خودش آنچنان نجاست غلیظه ندارد، شک بدوی می شود و برائت. اگر گفته بشود استصحاب، چه استصحاب می شود؟ اگر مرتین را استصحاب می کنید که نداشتید، نجاست را استصحاب می کنید که آن سابقه نجاست را آن اطلاق از بین برد. صاحب جواهر می گوید حالت سابقه استصحابی را اطلاق قطع کرد، اطلاق «اغسله». بنابراین می شود یک شک و جای برائت. اما مسئله اجماع که دلیل اول ما در این رابطه بود، گفته می شود اجماع فقهاء بر این است که درباره بول صبی به غسل مره واحده اکتفاء می کنند و خلاقی در این رابطه دیده نشده است. سیدنا می فرماید: بلکه در حد تسالم است.

سوال: با وجود نص خاص نوبت به اجماع می رسد، چون اجماع مدرکی می شود. جواب: اجماع مدرکی بعد از تطور اصول آمده، این کلام صاحب جواهر است و قبل از تطور اصول است و قبل از تطور اصول اجماع مدرکی نداشتیم. اجماع دو قسم بود محصل و منقول، لذا در جواهر مراجعه کنید، می گوید «الاجماع بقسمیه و النصوص مستفیضه». و ادله هم دسته بندی شده است: دلیل و تایید و اشعار. فقهاء در دأب شان این است که هر سه دسته را ذکر می کنند، اجماع منقول و شهرت، برای استحکام مطلب مفید است و پشتوانه است. اما نصی که در این رابطه آمده است صحیح حلی: عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن حلبی «قال سألت ابا عبد الله علیه السلام عن بول الصبی قال تصبّ علیہ الماء فان کان قد أكل فاغسله بالماء غسلًا» [2]. اطلاق به این صراحت که اگر متغذی بود، غسل و اگر متغذی نبود صبّ کافی است، اطلاقاً و بدون تقیید و توضیح و تفصیل و ترک استفصال. جمع بین اطلاق لفظی و اطلاق مقامی ممکن است که اینجا هم اطلاق لفظی است و هم اطلاق مقامی که ترک استفصال اطلاق مقامی است، جایی است که استفصال جا داشته باشد و اگر ترک بکند می شود اطلاق مقامی ولو لفظ شرائط اطلاق لفظی را نداشته باشیم. بعد از که این سه دلیل را صاحب جواهر اجمالاً بیان می فرماید، آنگاه نظرشان را اظهار می فرمایند که «لعله الاقوی» که این رأی و این استدلال اقوی است. به جهت اطلاق امر به صبّ که در این صحیح حلی آمده بود. این اطلاق مقتضایش این است که به یک بار هم اکتفاء می شود و نیاز به تکرار نیست. 2. خفت نجاست بول صبی و موید این خفت نجاست این است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در حکایتی که از طریابنائه عامه آمده است، به صبّ مره واحده اکتفاء فرموده است نسبت به بول بچه های کوچک خودش حسن بن علی علیه السلام. نکته سوم هم می فرماید: عدم وجود فائده در تعدد، تعدد جایی است که بار اول ازاله باشد و بار دوم تطهیر، این بول صبی که لزوجتی ندارد، مره دوم بدون فائده است، جعلیات شرعی بدون فائده نیست. و در آخر هم می فرماید: حسنه حسین بن ابی علاء که عبارت است از: محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی

عن احمد بن محمد عن علی بن حکم، که محمد بن یحیی و احمد بن محمد که از مشایخ کلینی هستند و اشعری و قمی ها و اجلاء و ثقات هستند، علی بن حکم که توثیق خاص دارد، حسین بن ابی علاء هم توثیق خاص دارد، از امام صادق علیه السلام «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الصبي يبول على الثوب قال تصب عليه الماء قليلاً ثم تعصره[3]»، تطهیر متنجس به بول صبی به چه صورت است؟ امام فرمود: آب اندکی را بریز بر آن موضع متنجس، آنگاه فشار و عصر انجام بده، پاک می شود. این حدیث دلالت دارد بر اینکه «تصب عليه الماء قليلاً» یعنی یک بار و کانما تصریح دارد به کفایت غسله مره واحده و نیاز به تکرار نیست.

#### بررسی رأی مخالف در مسئله

در این مسئله مخالفی که وجود ندارد، اجماع که گفته شده است بلکه گفته می شود که تسالم است. اما شیخ کاشف الغطاء اول می فرماید: در این مسئله تطهیر متنجس به بول صبی قانون اطلاق و تقیید باید رعایت بشود که نتیجه اش می شود لزوم غسل متنجس به بول صبی دو بار. می فرماید: نص اول همان صحیحه حلبی بود اطلاق داشت که «تصب عليه الماء». و نص دوم: صحیحه اسحاق نحوی که ثعلبه بن میمون است و توثیق خاص دارد و روایت می شود صحیحه. «عن ابی عبد الله عليه السلام قال سألته عن البول يصيب الجسد قال صب عليه الماء مرتين[4]»، آنجا اطلاق آمد و این هم تقیید، بول و جسد اطلاق دارد و تقیید شد به مرتین. قانون اطلاق و تقیید این را اقتضاء می دارد که بول صبی هم حکمش تطهیر مرتین است[5]. صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این قول ضعیف است، در ادامه می فرماید: «لم اعثر على موافق معه»، می گوید رأی موافقی با ایشان من برنخوردم.

#### فرق تقیید و تفصیل

درباره این استدلال سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه مطلبی را بیان می کند که از ضمن بیان مطلب شان قاعده ای استخراج می شود و آن این است که فرق است بین تقیید و تفصیل. تقیید دامنه عموم و اطلاق را تضییق می کند اما تفصیل شرحی است که قاطع شرکت است. بنابراین مطلبی را که گفتید تقیید شده است، حقیقتاً تقیید نیست بلکه تفصیل است و تفصیل هم قاطع شرکت است. در حسنه حسین بن علاء آمده است «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الصبي يبول على الثوب قال تصب عليه الماء قليلاً ثم تعصره»، در این صورت بول صبی با بول غیر صبی تفصیل داده شده که اگر بول صبی بود یک بار کافی است و اگر بول غیر صبی بود مرتین. در صورتی که تفصیل آمده باشد جایی برای تقیید وجود نخواهد داشت. بنابراین در صورتی که در حسنه حسین بن ابی علاء تفصیل واضح آمده باشد، تفصیل قاطع شرکت است، یعنی بول صبی با بول غیر صبی از هم جداست، و قاطع شرکت است. بول صبی حکمش مره واحده و بول غیر صبی مرتین. بنابراین هیچ گونه جایی برای اظهار نظر درباره تقیید وجود ندارد که بگوییم اینجا تقیید است بلکه تفصیل است[6].

سوال:

جواب: این روایت در چند جا نقل شده، اول این روایت را حسنه حسین بن ابی علاء در باب 3 از ابواب نجاسات حدیث 1 آمده که «عن الصبی یبول علی الثوب قال تصبّ علیه الماء قليلاً»، این را منضم کنید به آن حدیثی که در باب 1 از ابواب نجاسات حدیث 4 آمده بود که «عن البول یصیب الجسد قال تصبّ علیه الماء مرتین». در هر صورت این تفصیل قاطع شرکت است و نشان می دهد که حکم متنجس به بول بالغ مرتین است و اما متنجس به بول صبی مره واحده است. بعد ادامه می دهد، سید می فرماید: در این حدیث که آمده است «تصبّ علیه الماء قليلاً ثم تعصره»، آیا به این ذیل هم عامل باشیم؟

اشتراط عصر در متنجس به بول صبی

بحث در این است که آیا متنجس به بول صبی هم لازم است که عصر بشود و فشار داده شود یا وصل آب کافی است؟ سید می فرماید: عصر دلیل ندارد هرچند در ذیل این حسنه آمده است «ثم تعصره»، ممکن است این تعصره ارشادی باشد به عادت که عادتاً یا استحباباً که معمولاً عصر وجود دارد در شستشو یا مستحب باشد و دلیل نمی شود بر وجوب عصر. و نکته ای که در اینجا وجود دارد این است که تعصره را بعد از وصل و صبّ ماء گفته است. آن عصری که شرط است این است که همراه با صبّ باشد، گفته «تصبّ علیه الماء قليلاً ثم تعصره»، این معنی نمی دهد، «ثم تعصره» یعنی ربط به تطهیر ندارد، این قرینه داخلی و محمل هم دارد که حمل بر استحباب بشود یا عادت. اما در بحث عصر فقیه همدانی و سیدنا الاستاد گفتیم معنای عرفی تطهیر متضمن عصر است و سیدنا الامام فرمودند خروج غساله در مسئله تطهیر لازم و ضروری است. خروج غساله بدون عصر نمی شود، با توجه به این دو نکته گفته می شود که ذیل حدیث که آمده است «ثم تعصره»، چرا حمل به ظاهر نکنیم؟ دلیل ندارد که ما حمل کنیم بر خلاف ظاهر که حمل بر عادت و یا استحباب، آن نکته ای که ثم آورده و بعد از تطهیر غسل است، می گوئیم آن ثم تاخیر و ترتیب را بیان نمی کند آن ثم التحاق را بیان می کند، می گوید غسل که شروع شد غسل هم همرايش باشد. این ثم از آن ثم نیست که ترتیب بیان کند. و اگر هم گفته شود که ترتیب است اما ترتیبی که زماناً وصل می شود، ابتداء شروع می شود به غسل و قبل از غسل که عصر نمی شود، آب که ریخته شد، آنگاه عصر کنید، ترتیب هم بعد از ریختن نوبت به عصر می آید، بنابراین هیچ اشکالی ندارد، ثم تعصره درست است که آب بریزید آنگاه فشار بدهید، این درست است و بعد از تطهیر نیست، ترتیب طبیعی است و طبق واقعیت است. و از آنجا که این نص دلالتش کامل و سندش درست و خروج غساله هم یک امر ضروری و معنای تطهیر هم براساس فهم فقهاء و عرف که فقهاء گفته اند معنای تطهیر معنای شرعی نیست بلکه معنای عرفی است، عرف تطهیر را به همان شکل عرفی اش را اعلام می دارند که عبارت است از ریختن آب همراه با فشار دادن شیء متنجسی که قابلیت فشار را دارد مثل ثوب و فرش.

نتیجه: حداقل احتیاط وجوبی عصر است

در نتیجه علی الاقل احتیاط وجوبی این است که در غسل متنجس به بول صبی هم باید

عصر رعايت بشود. هرچند دو بار ريختن هم احتياط استجابي است اما احتياط لزومي تطهير و ريختن آب همراه با عصر.

---

[1] جواهر الكلام، محمد حسن نجفي، ج6، ص188 تا 190.

[2] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج2، ص1003، ابوابنجاسات، ب3، ح2، ط اسلاميه.

[3] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج2، ص1002، ابوابنجاسات، ب3، ح1، ط اسلاميه.

[4] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج2، ص1001، ابوابنجاسات، ب1، ح3، ط اسلاميه.

[5] كشف الغطاء، شيخ محمد حسين كاشف الغطاء، ص179.

[6] التنقيحفي شرحالعروه الوثقى، سيد ابوالقاسم خويي، ج4، ص30.